

امام حسین (ع) در زمان معاویه

چون امام حسن (سلام خدا و فرشتگان خدا بر او باد) از دنیا رحلت فرمود، به گفته رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و وصیت حسن بن علی (ع) امامت و رهبری شیعیان به امام حسین (ع) منتقل شد...



چون امام حسن (سلام خدا و فرشتگان خدا بر او باد) از دنیا رحلت فرمود، به گفته رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و وصیت حسن بن علی (ع) امامت و رهبری شیعیان به امام حسین (ع) منتقل شد و از طرف خدا مأمور رهبری جامعه گردید. امام حسین (ع) می دید که معاویه با اتکا به قدرت اسلام، بر اریکه حکومت اسلام به ناحق تکیه زده، سخت مشغول تخریب اساس جامعه اسلامی و قوانین خداوند است و از این حکومت پوشالی مخرب به سختی رنج می برد، ولی نمی توانست دستی فراز آورد و قدرتی فراهم کند تا او را از جایگاه حکومت اسلامی پایین بکشد، چنانچه برادرش امام حسن (ع) نیز وضعی مشابه او داشت.

امام حسین (ع) می دانست اگر تصمیمش را آشکار سازد و به سازندگی قدرت بپردازد، پیش از هر جنبش و حرکت مفیدی به قتلش می رسانند، ناچار دندان بر جگر نهاد و صبر را پیشه ساخت که اگر بر می خاست، پیش از اقدام به دسیسه کشته می شد، از این کشته شدن هیچ نتیجه ای گرفته نمی شد. بنابراین تا معاویه زنده بود، چون برادر زیست و علم مخالفت های بزرگ نیفراخت، جز آن که گاهی محیط و حرکات و اعمال معاویه را به باد انتقاد می گرفت و مردم را به آینده نزدیک امیدوار می ساخت که اقدام مؤثری خواهد نمود.

در تمام طول مدتی که معاویه از مردم برای ولایتعهدی یزید، بیعت می گرفت، حسین به شدت با اومخالفت کرد، و هرگز تن به بیعت یزید نداد و ولایتعهدی او را نپذیرفت و حتی گاهی سخنانی تند به معاویه گفت و یا نامه ای کوبنده برای او نوشت. معاویه هم در بیعت گرفتن برای یزید، به او اصراری نکرد و امام (ع) همچنین بود و ماند تا معاویه درگذشت ...